

آمار همچون نمک ضد فساد است اما..^۱

در آستانه روز آمار و برنامه ریزی قرار داریم و امسال بنا به مصادف شدن اول آبان با عزاداری های حسینی، مناسب است اگر از خاصیت اصلی آمار یعنی مبارزه با فساد بگوییم. مثالهایی را مرور کنیم، از موانع پیش روی آمار و مبارزه سیستماتیک با فساد بگوییم.

قبل از ادامه بحث مبارزه با فساد مروری بر نوشته های دو سال قبل اینجانب، "آمار بعنوان یک کالای عمومی" و "خردورزی در اتخاذ سیاست" داشته باشم.

در سال گذشته از لزوم محاسبه گر شدن سیاست گذاران به کمک آمار گفتیم و یک مثال واقعی از تصادف رانندگی را و نحوه برآورد هزینه های عمومی یک تصادف برای شهروندان تهرانی گفتیم و نشان دادیم یک تصادف با ده دقیقه ترافیک سنگین حداقل ۵۰ میلیون تومان به اقتصاد شهروندان زیان می رساند حال این وظیفه سیاستگذار است که چگونه این هزینه ها را کاهش دهد. اگر سیاستگذار فقط در برخی معابر هزینه های مقصیرین تا حد ۵۰ میلیون تومان را به نحوی برعهده بگیرد [با این قید که مشوق تصادفات نباشد یا هزینه ایجاد ترافیک سنگین از طرفین یا مقصر اصلی مطالبه کند] باز راه بیراهه نرفته است و هزینه عمومی شهروندان را کاهش داده است.

در روز آمار دو سال قبل از ویژگی کالای عمومی بودن آمار گفته بودیم. آمار همچون تولیدات سینمایی، کالایی است که اولاً تولید آن وظیفه دولت و حاکمیت است که در این راه سرمایه گذاری کند و ثانیاً مصرف کننده محدودی ندارد و عموم مردم میتوانند از فواید آن بهره مند شوند.

آمار خاصیت ضدفسادی دارد:

موارد زیادی از فساد جامعه امروز را تهدید می کند. فساد مالی، خطر سو استفاده از حق اختیار رؤسای سازمانها، شائبه بهره مندی برخی افراد از اطلاعات پنهان در بورس، خطر فاکتورسازی برای خریدهای صوری یک شرکت، فرار مالیاتی، مدرک گرایی، خرید مدارک بدون اخذ تخصص کافی برخی از این فسادها هستند.

مقابله غیر سیستمیک:

چگونه می توان با این فسادها مقابله سیستماتیک (یعنی منظم و بدون وابستگی به وجود فرد پیگیر) ساخت؟ اول صورت مساله را بیشتر باز کنیم. فساد در جامعه امروز ما چگونه شناسایی و چگونه مقابله می شود؟ این یک مدل از مبارزه با فساد است که ویژگی های سیستمی را ندارد:

۱_ اگر فساد در یک بخش از جامعه یا اداره ای وجود داشته باشد به خودی خود مشخص نیست. باید به اندازه ای بزرگ شود که علائمی از آن قابل مشاهده شود!

^۱ این مطلب با مقداری اصلاح جزئی و ویراستاری توسط سایت سواد آماری www.SavadeAmari.com همراه شده است.

۲- حال که علائم فساد قابل مشاهده شد هنوز نیازمند این است که افرادی که علائم را مشاهده می کنند بخواهند با آن مقابله کنند. بسیاری از علائم فساد اداری بنا به تخصص یا ظرفیت های قانونی برای افراد غریبه با اداره قابل فهم نیستند. بنابراین ممکن است در همین مرحله، فرایندهایی پیش بیاید که فساد قابل مشاهده، افشا نشود.

۳- علائم فساد قابل مشاهده می شود ولی افرادی که میخواهند این فساد را پیگیری کنند لازم است بتوانند وجود آن فساد را اثبات کنند. نمی شود فقط به ظن خود هر شرایطی را فساد بدانیم و نتوانیم آن را اثبات کنیم.

۴- اگر توانستیم وجود فساد را اثبات کنیم هنوز ممکن است در دایره دیگری از تفاسیر گرفتار شویم که مانع مجازات همه عوامل فساد شود. چگونه؟ مثلاً مسوولین و مرتکبین فساد عوامل محیطی مثل وجود تحریم های اقتصادی و لازم بودن دور زدن بخشی از تحریم ها با نادیده گرفتن برخی تشریفات قانونی را بهانه کنند.

در بلبشو چنین ابهاماتی چگونه می توان با فساد مبارزه کرد. در مدل فوق از مبارزه با فساد، همه اتکای جامعه به وجود افرادی برای مبارزه با فساد است. اگر این افراد به مرور به فساد عادت کنند و یا نفع شخصی خویش را پیش بگیرند چه؟ آیا میتوان افرادی را برای مبارزه با افراد مسوول مبارزه با فساد گمارد؟ چند لایه می توان چنین نظارت هایی را طراحی کرد؟

مقابله سیستماتیک با فساد:

اما در مدل سیستماتیک مبارزه با فساد، ستون اصلی بر عهده آمار است.

با یک مثال غیر واقعی و بسیار وحشتناک-غیرقابل اثبات- از فساد، مساله را روشن کنیم.

فرض کنید من رییس یک سازمان بزرگ مبارزه با فساد هستم. بنا به علایق خودم که مثلاً متخصص دیتاساینس هستم یا توقعات دیگران از من ممکن است در دوره ریاستم استخدام افرادی که به تخصص دیتاساینس نزدیک تر هستند را اولویت ببخشم. از نظر من، هر کسی که چنین تخصصی ندارد نمیتواند در پیشبرد اهداف سازمان من که مثلاً مبارزه با فساد یا برنامه ریزی توسعه اقتصادی کشور است مفید باشد. این حق و حوزه اختیار من رییس است و از نظر قانون، این حق تشخیص من است.

فرض کنید قبل از من هم چنین تفکری بر سازمان حاکم بود. کسی که مرا به ریاست آن سازمان بزرگ برگزیده بود به دلیل باوری که به دیتاساینس وجود داشت مرا در ادامه ریاست دیتاساینستتها بر سازمان برگزیده باشد.

الان پس از چند سال سازمانی داریم که پر از دیتاساینستتهاست و قرار است از دریچه تنگ دیتاساینس به مساله واقعی فساد یا توسعه اقتصادی بنگریم. سازمان میشود ملک دیتاساینسی ها. حال اگر تعدادی متخصص جامعه شناسی هم حرفی در باره مبارزه با فساد داشته باشند زیر سلطه نگاه دیتاساینسی ما باید سخن بگویند و عملاً کاری از پیش نخواهند برد. محور و ستون مبارزه با فساد نگاه غالب ماست.

آیا چنین نظام های غیر متعادلی را در ساختار اداری آشنا می یابید؟ من می شناسم. سازمانی را می شناسم از بس فلان رشته در آن زیاد است برای پست مدیریت کیفیت فلان رشته غیرمرتبطی را پست داده است.

اگر فقط آماری از ارتباط شغلی با تخصص کارمندان سازمانها به طور مرتب تولید و بر حسب همان سازمانها منتشر شود شما یک مکانیسم مبارزه با فساد مخفی که قوی ترین نوع فساد است خواهید داشت.

موانع:

اما چرا چنین مکانیسمی سرپا نمی شود؟ پاسخ ذی نفعان غیر حرفه ای و نبود قیدهای قانونی یا اجتماعی است! تصور کنید اگر آمارهای زیر به طور مرتب در کشور تولید و منتشر می شدند.

- آمار استخدامی های دوره ریاست آقای الف در سازمان ب بر حسب رشته تحصیلی، بر حسب محل تولد، بر حسب محل اسکان والدین. برای شناسایی استخدامی های با نسبت فامیلی چه آماری پیشنهاد می دهید؟ آیا ریسی جرات می کرد همه افراد هم رشته ای خود را به طور معنی داری در اولویت استخدام قرار دهد؟

- آمار ظرفیت زایمان طبیعی بیمارستانها بر حسب نسبت اتاق یا مساحت اختصاص یافته به زایمان طبیعی به مساحت اختصاص یافته به زایمان سزارین در بیمارستانهای تحت مدیریت پزشکان! همینطور تعداد پرستار به مادران زایمان طبیعی به زایمان سزارین!

از طنزهای روزگار ماست که ریاست بیمارستان دست پزشکانی است که مهارت جراحی دارند و پرستار و ماماها هر روز فضا و امکانات کمتری برای خدمت به مادران زایمان طبیعی دارند بعد به مادران توصیه می کنیم چرا زایمان طبیعی را ترجیح نمی دهید!! مگر می توان احساسات مادری را در بحران حاکم بر زایمان طبیعی در بیمارستان های دولتی نادیده گرفت؟ حرفهایی که هیچگاه جامعه نخواهد شنید و سزارینهایی که منبع درآمد شگفت انگیزی هستند و توصیه های بی معنایی که همواره تکرار می شوند: زایمان طبیعی بهتر است. خب، همه مادران می دانند زایمان طبیعی بهتر است ولی نه وقتی که امکانات ناکافی است و آرامشی در ماما و پرستارها نیست چون تعداد پرستار و ماما تناسبی با تقاضای واقعی - ولی مایوس زایمان طبیعی - ندارد. مامایی که باید درآمد مناسب داشته باشد تا بتواند خدمات کیفی ارائه کند جایی در فضای بیمارستانی ندارد. آمارها می توانند سخن بگویند!

آمار می تواند افشا کند که چرا زایمان طبیعی مطلوب نیست چرا مادران و ماماها در کشور در مقابل پزشکان جراح و مزیت ارزش افزوده سزارین نسبت به زایمان طبیعی برای روسای بیمارستانها تنها و تنها هستند. مثال های از این دست بسیار است ولی در این بحث، کمکی به مساله اصلی ما نخواهند کرد.

جالی خالی مردم در نظام آماری کشور:

اما سوال اصلی از شما مردم فهیم ایران: چرا چنین آمارهایی تولید نمی شود؟

علت عدم حضور شما در عرصه تولید یا عدم تولید آمار است. آمار برای کسی تولید می شود که خواهان آن است. پس شاید آمار دولت پسند، رییس پسند و من پسند فرصت عرضه پیدا کنند. قصد من نیست بگویم آمار مردم پسند هم داشته باشیم! آمار با پسندها کاری ندارد!

چگونه؟ ببینید مساله ساده است. من رییس بیمارستان می توانم آمار ندهم، میتوانم هر وقت دلم خواست آمار ندهم، میتوانم افراد لازم برای تولید آمار را استخدام نکنم، میتوانم از رشته ها و تخصص های غیرمرتبط استخدام کنم که در مقابل مطالبه شما پاسخ درست نداشته باشند، می توانم فرایندهایی که باید آمار تولید شوند را تأیید نکنم. تا شما ندانید که من چه می کنم تا من بدون دردسر روزگار بگذرانم.

مثلاً هیات دولت مصوبه می دهد ولی وزارتخانه و سازمان در اجرای مصوبه آماری دولت تعلل میکنند! اما و اگر می آورند.

آمار برای برخی ها، یعنی آمار من پسند. اگر آماری من پسند نباشد کسی منتظر آمار که نیست. پس می توانم سکوت کنم و منتظر آمار من پسند بعدی بنشینم. یا برخی از اقلام و موارد من پسند را ارائه کنم و بقیه را به بعدها موکول کنم. فکر می کنید چه کسی باید پیگیر باشد؟ رسانه ها؟ مردم؟ نهادهای اجتماعی؟ خود دولت؟ پس من برای چی باید زحمت بکشم، هزینه بکنم، آمادگی سازمانی ام را حفظ کنم که شاید روزی کسی آمار بخواهد!

مبارزه سیستماتیک با فساد یعنی تأیید، تبلیغ و اصرار بر حق دانستن و آزادی اطلاعات برای همه مردم.

نگاه امنیتی افراطی:

اما یک نکته اینجا می ماند. برخی میگویند چون کشور ما در حال جنگ سرد با دشمنان است نمی توان از آزادی اطلاعات حرف زد. پاسخ من به این نقد این است: ضرر ندانستن آمارهای عملکرد برای درون جامعه ما، از ضرر استفاده دشمنان کشور از این آمارها کمتر نخواهد بود. پس نمی توان بدون اندازه گیری این دو ضرر، آمار را به بهانه محرمانگی -منظور محرمانگی اطلاعات فردی و نهادی نیست- و امنیتی بایکوت کرد.

- آمار همچون نمک ضد فساد است اما فساد آن را نیمخواهد
- آمار همچون نمک ضد فساد است اما آمار در حقیقت حق الناس است. حتی ممکن است بگویید چرا نهاد رسمی تولید آمار زیر نظر دولت باشد؟ بعلی، نکته بجایی است ولی هنوز در اول راهیم!
- آمار همچون نمک ضد فساد است اما آمار به این شیوه، خیلی هم نمکین نیست.

درباره نگارنده:

سعید قاسمی زاده، آمارشناس مرکز آمار ایران است و نزدیک به هفت سال در خصوص کیفیت آمارهای مرکز آمار ایران فعالیت داشته است. او اکنون آینده پژوهی می خواند و بر نقش آمار و داده در آینده نظام تدبیر کشور تحقیق می کند. سخن او بعنوان یکی از پاسخگویان سابق در خصوص کیفیت آمارها این است:

مردم ایران، کیفیت آمارها بدون خریدار معنی ندارد. شما خریدار آمار باشید. نمی توانیم قول بدهیم سال به سال بهتر خواهیم شد. مردم سالهاست خریدار نبوده اند و ما فعلا آمار را برای ذی نفعانی تولید می کنیم که خریدار آمارها هستند. لطفا خریدار آمار باشید

توجه کنید منظور از خریدار بودن این است که حامی نظام آماری کشور باشید. آمار رسمی کشور، کاملا رایگان در اختیار شما است. آمار رسمی در جایی و به صورت کلی ارائه می شوند این وظیفه رسانه ها، اندیشمندان و دلسوزان جامعه است که آن را برای استفاده مردم به قالب مناسب تفسیر و تحلیل تبدیل کنند.

دقت کنید کشور ما بیش از آنچه از نظام تولید و نشر آماری بنالد باید از ظرفیت پایین استفاده از آمار انتقاد کند. تا وقتی که مصرف و تقاضایی برای آمار در کشور به صورت پایدار شکل نگیرد نظام آماری کشور نیز نخواهد توانست موانع رشد و توسعه، بهبود کیفیت را مرتفع و استانداردهای اخلاق حرفه ای مراکز آماری به منصفه ظهور گذارد. حامی آمار باشید وگرنه، منافع آماری را با هیچ ساختار دیگری نمی توان جبران کرد. فساد به تهدید تبدیل شده است همزمان با آن، آمار به حاشیه رفته است. قضاوت با شماست.